

حراست و توسعه زبان مادری به حیث اساسی ترین عنصر میراث فرهنگ بشری مهمترین وجیبه ماست

نوشته دکتور نورعلی دوست

۲۷ سنبله ۱۳۹۱



در جریان مطالعه مضامین ارزشمند مندرج صفحات
انترنیتی **سیمای شغنان** نظرم به عنوان پیشنهادی سید نقیب
جعفری به دکتوران علوم و متخصصین یعنی شخصیت های
مسلمی و صاحب نظر در بخش های مختلف علوم افتاد که دران از ایشان تقاضا
نموده است که (به جای زبان شغنانی باید راه دیگری را انتخاب نمایند و همچنان
به دوام ابراز نظر فرموده اند که : می خواهم يك نکته بسیار کوتاه خدمت تمام



اجاره کنندگان الفباء شغنانی عرض کنم که عدم
پیشرفت ذهنی و فکری ما ناشی از زبان
شغنانی بوده است. متأسفانه امروز اکثریت
جوانان و نو جوانان در تکلم دري فارسي خیلی
دچار مشکلات می باشند. ما چندان از این زبان
خود خاطره خوب و خوش آیند نداریم و مطمئن
هستم که الفبای شغنانی هیچ درد و رنج اهالی
شغنان و شهروندان شغنانی در کشور ها و
شهر های داخل افغانستان زندگی می کنند دور
نمی سازد و نه به درد ما خواهد خورد. از
دکتران علوم و متخصصین زبان شغنانی تقاضا
می کنم اگر کدام دلسوزی و هدف کمک و
همکاری با مردم خود دارند يك راه دیگری را
انتخاب نمایند.)

چنین اظهار نظر صریح ، بی پرده و نا امید کننده آنهم از نسل جوان تحصیل کرده و روشنفکر و پرورش یافته در محیط خانوادگی روشن و اهل علم و فضیلت برایم بحدی تکانه‌دهنده بود که تا چندین روز مبهوتم گذاشت و نتوانستم ابراز نظری درین زمینه نمایم . چون ابراز همچون نظریات برای دشمنان عدالت اجتماعی ، سلطه گرایان ، مستبدین و کسانیکه اهل اینچنین زبانها نبوده و به اهمیت زبان و فرهنگ بشری در درازنای تاریخ بیگانه باشند کلامی ساده و آسان است اما برای ستمدیدگانیکه زبان مادری را با شیر در آمیخته به عشق و محبت مادری از اولین لحظات آغاز زندگی از نگاه پر از مهر مادرانه در تار تار پود وجود خود جا داده باشند ، شنیدن و خواندن این چنین نظریات آنهم از چنین مراجع تکانه‌دهنده و الم آوراست. **واما : ازینکه ابراز نظر محترم سید نقیب جعفری در بیان درک و برداشت این مسئله و به احتمال شاید شامل نظریات بخشی از سایر جوانان همزبان ما و دیگر جوانان زبانهای در موقف اجتماعی زبان شغنی در این رابطه نیز باشد ، خود هوشدار نیست قابل تحمل بدانشمندان و اهل نظر که بانیست در جهت روشنی افکار مردم و مخصوصاً جوانان سعی مثمر نموده در برابر حفظ دستاورد های زنده فرهنگی مان رفع مسئولیت و ادای دین نمایند .**

اینک توضیح مختصری را **پیرامون زبان های مادری عناصر اساسی هویت و جان فرهنگ بشری اند** به همه مردم و جوانان عزیز بهر زبانیکه سخن میگویند و مخصوصاً شغنی زبانان و علاقه مندان آن تقدیم میدارم و از همه صاحب نظران تمنا دارم تا جهت توضیح هر چه کامل این موضوع توضیحات بیشتری را ارائه بفرمایند .

زبان مادری اسم با مسما بوده تعریف آن در متن و محتوی آن بوضاحت بیان شده و قابل درک است با آنهم تعریفی که بطور عام از زبان مادری معمول شده عبارت از زبان نیست که نوزاد از مادر، پدر و در مجموع از خانواده و زبان مسلط بر محیط اجتماع انسانی ماحول می آموزد و نخستین وسیله شناخت و ارتباط کلامی انسان با جهان هستی است . زبان مادری مبین دقیق رابطه مستقیم احساس ، تفکر و زبان است. این رابطه ی فوق العاده حساس و پیچیده ؛ آرزو ها ، تمنیات قلبی انسان ، ذوق و هنر ، ادب ، خاطرات نیک و بد ، خوشی های خاطره انگیز و ناخوشی های حسرتبار زندگی ، نوازش و دلداری ، لطیفه گویی و شوخی و بازی های گوناگون را به بهترین و عالیترین وجه بدون کم و کاست طوری به همزبانانش بیان مینماید که به هیچصورت همچو بیان ظریفانه و احساسمند با زبان دومی با وجود

سطح آموزش عالی ارائه شده نمیتواند. زیرا هر زبان دارای ویژگی های منحصر به خود بوده که در بر گیرنده تاریخ و فرهنگ آن زبان می باشد در هر واژه هر یک از زبانها احساس های مخصوص آن زبانها با ظرافت ویژه نهفته است که با تمثیل های گوناگون اعضای مختلف ظاهری اندام با خصوصیات بومی بیان کننده به شیوه ای ارائه میشوند که درک و احساس آن برای نا آشنایان به زبان بطور کامل میسر شده نمیتواند و بهیچوجه ترجمه آن کیفیت لازم و تأثیر پذیری بیان زبان مادری را به جا آورده نمیتواند. در یک کلام زبان مادری همچون آئینه تمام عیار، مکنونات دنیای روح و روان متکلم را بدون کم کاست بیان میدارد و این نعمت ارزشمند است که در قالب زبان مادری به حیث میراث زنده نیاکان ما به ما بمیراث گذاشته شده و فرض ماست تا آنرا با امانت داری پای به پای زمان توسعه داده به نسل های آینده مان انتقال دهیم. علاوه بر زبان مادری، محصول ضرورت زندگی اجتماعی و اقتضای طبیعی انسانی بوده منحصراً میراث فرهنگ انسانی همچون سرمایه ای بی‌زوال اجتماعی، هویت کامل گروه مشخص انسانی در جامعه بشری بوده، بهترین وسیله رشد، انکشاف و انتقال ارزشهای فرهنگ بشری از نسلی به نسل میباشد؛ همچنان زبان مادری مهمترین وسیله اتحاد و همبستگی افراد در شرایط و موقعیتهای حساس مخصوصاً برای حفظ امنیت در برابر هرگونه حوادث و رویداد های ناگوار میشود. این واقعیت مسلم را قابل بیان میدانیم که تأمین عدالت اجتماعی و رعایت حقوق مادی و معنوی گروه های مختلف انسانی در جوامع انسانی اتحاد و همبستگی ملی را افزایش میدهند. برخلاف سیطره جوئی قومی، ملیتی و تحمیل جبری زبان قوم و یا ملیتی که میان دیگران از پیشتوانه های سیاسی، اقتصادی، علمی، ادبی و فرهنگی برتر بر دیگر گروه های انسانی همان جامعه، باعث خدشه دار شدن اتحاد و همبستگی ملی میشود.

از آنجائیکه زبان عامل و سرچشمه معرفت انسانیست، تنوع زبانی نیز طبیعتاً میتوانند به حیث عامل مؤثر زمینه ساز رشد معرفت، ابتکار و خلاقیت های متنوع فرهنگی در جامعه شده باعث رشد و توسعه جامعه شود. از نتیجه ارتباطات متقابل فرهنگ ها و داد ستد و معاملات گوناگون فرهنگی (مادی و معنوی) که باعث رشد و انکشاف کشور در عرصه های مختلف میشود، اقوام و ملیت های گوناگون اتباع یک سرزمین ضرورت باهم بودن و باهم زیستن را بطور مسالمت آمیز و برادرانه در کنار هم بدون برتری جوئی و امتیاز طلبی احساس نموده متمایل به اتحاد ملی میشوند. با از میان رفتن زبان مادری شیرازه هویت و همبستگی گروه انسانی وابسته به تدریج از بین رفته توانایی ظرفیت های گذشته در انتقال فرهنگ بومی به

نسل‌های آینده در وجود فرهنگ حاکم مضمحل می‌گردد . با از بین رفتن هر زبانی از هر قوم و ملیتی دیگر آن قوم و یا آن ملیت با هویت ، ماهیت و مضمون ذاتی خود در دراز مدت بنا به نقش پر از اهمیت زبان به حیث عنصر مهم فرهنگی نمیتوانند در میان گروه ها و فرهنگ های گوناگون بشری وجود داشته باشند چنانچه این چنین سرنوشت های شوم در تأریخ بشری برای زبانهای مختلف انسانی بطور مستدام اتفاق افتیده باعث ضایعات جبران ناپذیر فرهنگ انسانی و متلاشی شدن گروه های انسانی در جهان شده است . درکشورهای مختلف دنیا بنا به کثرت و تنوع ملیت ها و اقوام گوناگون ، زبان ملیت ها و یا اقوام مسلط بر اوضاع سیاسی و اقتصادی جامعه بحیث زبان حاکم در قالب زبان ملی شناخته شده بحیث زبان دوم منحیث وسیله تأمین ارتباط متقابل عموم مردم ، اسناد رسمی و برنامه های آموزش و پرورش و نشرات عامه معرفی و متداول میشوند . بطور مثال در کشور عزیز ما افغانستان مطابق قانون اساسی زبانهای فارسی دری و پشتو بحیث زبانهای ملی نظر به ساحه نفوذ و تأثیر پذیری شان زبان دوم برای اتباع افغانستان که این زبان ها زبان مادری شان نمیباشند ، شده و زبانهای ازبکی، ترکمنی، پشه ای، نورستانی، بلوچی و پامیری را در مناطقی که اکثریت مردم به آنها سخن می گویند به عنوان زبان سوم رسمی شناخته ، دولت را مؤظف به رشد و تقویت همه این زبان ها نموده است . در تأریخ افغانستان برای نخستین بار این چنین زمینه قانونی برای زبانهای اقوام دیگر بوجود آمده است که باعث اوج گیری فعالیت های فرهنگی در جهت رشد و انکشاف زبان های غیررسمی منجمله زبان شغنی شده کار های مثبت تحقیقات علمی در زمینه تهیه و تدوین الفبا و مواد درسی برای آموزش این زبان برای شاگردان دوره متوسط آموزشگاه ها به اثر سعی و تلاش خستگی ناپذیر شخصیت های علمی و فرهنگی اهل این زبان به انجام رسیده که برای توسعه و بقای زبان شغنی نخستین اقدامات بینظیری اند که امید به آینده بهتر و عالیتر رشد این زبان را نوید میدهند . از انجائیکه بحث روی تدوین بهتر و کامل الفبای زبان شغنی و انجام کارهای تحقیقات علمی درین زمینه به همت فرزندان آگاه و دلسوز در میان باشد مسلم است که همه ی اهل این زبان دارای مقصود واحدند و در یک مسیر درست علمی و تحقیقاتی در حرکت اند و این کاروان بطور طبیعی منزل به منزل تا ساحل و عمق واقع بینانه نتایج ثمر بخش کارهای علمی و مسلکی در مطابقت به معیار های جهانی علم زبانشناسی به پیش میرود و نتایج بحث و تحقیقات های علمی هر کدام ازین عزیزان مایه افتخار ما و درس های تازه به تازه و روشن کننده ی اند که آموزش آن برای همه ضروری میباشد ، هر طرح و پیشنهاد بکر و تازه علمی و منطقی در ساختار الفبای زبان شغنی مانند خشت

های صیقل شده برای تکمیل تعمیر این عمارت معنوی ضروری و لازمی میباشند و بر همه ما لازم است تا نتایج تکمیلی آنرا با پیشانی باز بمنظور بسر رسانیدن این آرمان بزرگ، صادقانه و عاقلانه بپذیریم. باید گفت که بحث و گفتگو ها و مناظره ها روی موضوعات علمی پدیده تازه ی نبوده برای رسیدن به نتایج ثمر بخش کار های تحقیقاتی همچو پروژه علمی و اجتماعی مفید و مؤثر میباشند. که به یقین مضمون و ماهیت این بحث و مناظره ها برای اهل علم و تحقیق، مفهوم بوده به هیچوجه قابل مقایسه با عمل سیاسی، کارسیاستمداران و کشمکش های افراد عادی و غیر مسلکی جامعه نمیباشد. همه ی آن عزیزان خردمند و با احساسیکه با قبول زحمت سعی و تلاش شباروزی مینمایند، به اشد اهمیت و نیاز زمان پی برده بی ریا، بی طمع و بی توقع برای حفظ و توسعه میراث فرهنگی نیاکان و تقدیم سالم آن به نسل های آینده با ادای مسئولیت وجدانی خدمت صادقانه مینمایند و ما قادر به تادیه پاداشت به زحمت کار بزرگ و مثمر این بزرگواران درین شرایط نمیباشیم و پاداشت شانرا به خوشنودی مردم، نسل های آینده و رضائیت پروردگار محول میسازیم. چون اوضاع و احوال شرایط داخلی و جهانی در اثر بی عدالتی های سیاسی و اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رقابت های قاتلانه بازار آزاد و تهاجم فرهنگ های بیگانه، زبان های دارای اقلیت گروهی را در سطح ملی و بین المللی در شرایط ناگوار قرار داده است. به اساس گزارش سازمان علمی آموزشی، فرهنگی سازمان ملل متحد «یونسکو» که از نابودی روز افزون و مستمر زبان های بومی در سرتاسر دنیا هوشدار و گزارشی را تهیه نموده که قرار آن (از شش هزار و هفتصد زبان دنیا بیش از نیمی از آنها در حال نابودی اند. قرار بررسی این سازمان به طور متوسط در هر پانزده روز، یک زبان در دنیا از بین می رود.) با چنین وضع پیش آمده نسل موجود زبان شغنی در آخرین فرصت های انجام کاری قرار دارد و غفلت بیشتر درین زمینه سرنوشت اسفباری را به فرهنگ این سرزمین به ارمغان می آورد. شخصیت های با تدبیر، خردمند و قابل قدری که برای بقای زبان و فرهنگ نیاکان شان دست بکار شده اند با احساس مسئولیت بطورپوره به اهمیت موضوع، نیاز زمان و ضرورت انجام کار پی برده بدون طمع و توقع تلاش نموده و مینمایند تا رسالت تاریخی شان را در برابر فرهنگ نیاکان و نسل های آینده ادا نمایند. و امید داریم با ایجاد الفبای شغنی و مکتوبی ساختن این زبان و دیگر زبانهای پامیری این زبانها از معرض آسیب پذیری جدی که تا حال تهدید شان مینمود نجات حاصل نموده نتایج ثمر بخش آن مایه افتخار ابدی برای نسل موجود این زبانها شود. چون در شرایط موجود عوامل مختلف و غیر پیشبینی شونده زبانهای کم اقتدار را مخصوصاً

زبان‌هایی که از رسم الخط محروم اند تهدید به انقراض مینمایند. قرار پیش‌بینی های سازمان یونسکو: (بیش از ۴۰ درصد از زبان های دنیا سرنوشت مشابهی چون سرنوشت زبان بومیان ایاک خواهند داشت. داستان غم انگیز بومیان ایاک طوریست که: « در زمستان سال گذشته خانمی بنام ماری اسمیت جونز آخرین بازمانده بومیان «ایاک» آلاسکا و تنها کسی که می توانست به زبان این گروه از سرخ پوستان ساکن شمال غرب آمریکا سخن بگوید، در سن ۸۹ سالگی درگذشت. با مرگ او یک زبان دیگر هم در دنیا از بین رفت. قرار معلومات این گزارش از خانم جونز هفت فرزند به جای مانده، ولی آنها قادر به سخن گفتن به زبان مادری خود نیستند، چون در آلاسکا زبان آنها ممنوع بوده و مردم بومی مجبور بوده‌اند فقط به انگلیسی صحبت کنند.) در بسیاری از کشور های دنیا شرایط غیر عادلانه در جهت یک زبانی ساختن جامعه چنانچه خواندید، طوری ب میان می آید که سرانجام یک زبان صرفاً به یک فرد انسان منحصر شده با نابودی آن زبان نیز نابود میشود. که متأسفانه چنین نمونه هائی را در کشور عزیز ما افغانستان نیز به سراغ داریم طوری که معلوم است اوضاع دشوار اقتصادی، کمبود منابع تولیدی کارآفرین، عدم ظرفیت های لازم برای رشد و انکشاف منابع اقتصادی قراء و قصبات که بر محور زراعت و مالداري ابتدائی متکی بوده با آهنگ رشد نفوذ درین مناطق همخوانی ندارند ضمن تحصیل یافته گانیکه بعد ختم تحصیلات مسلکی شان عمدتاً در شهر ها صاحب شغل شده استقامت میگزینند در توأمیت با مهاجرت های اجباری ناشی از اوضاع ناگوار امنیتی زمینه های مهاجرت مردم دهات و قصبات را به شهر ها مساعد میسازند. در همچو موقعیت برای اهل زبانهای در سطح اقلیت گروهی لازم است که به زبان مادری خود در خارج از حوزه تأثیر پذیری آن اهمیت داده در محیط خانوادگی از زبان مادری خویش استفاده نمایند. بعضاً دیده میشود که پدران و مادران روشنفکریکه در خارج از حوزه زبان مادری مخصوصاً در شهرها زندگی مینمایند بدون آنکه تصویر درستی از فرهنگ و هویت خود به فرزندانشان ارائه دهند و این حقیقت را در نظر داشته باشند که: روند تغییر زبان سرانجام باعث تغییر هویت ذاتی افراد شده مسبب خود بیگانگی میشود، به این عقیده اشتباه آمیز رو می آورند که گویا یاد گرفتن زبان مادری بیفایده و ببرد اطفال شان نمیخورد و زبان مادری شان دور از حوزه تمدن شهریست؛ در محیط خانوادگی به زبان غیر مادری رجوع نموده به آن صحبت مینمایند. اینگونه برخورد غیرناعاقبت اندیشانه نوعی نگرش منفی و متأسفانه توأم با حقیر شمردن فرهنگ نیاکان بطور ناآگاهانه بوده از اعتبار اجتماعی زبان مادری در میان اهل زبان که به آنها از پشتوانه های سیاسی، اقتصادی، علمی، ادبی و فرهنگی لازم

برخوردار نیست لطمه بزرگ میرساند که در حقیقت این خود تیشه به ریشه زدن است. هرگاه اهل زبان در برابر زبان مادری خود احساس مسئولیت ننمایند در محیطی که زندگی مینمایند و زبانی که در آن محیط از اعتبار و قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار است بطور طبیعی برموقف و نفوذ زبان مادری شان در محیط خانوادگی به زودی و به سادگی تأثیر انداخته گویش روزمره زبان مادری رادر محیط خانواده بتدریج از بین برده و فرزندان شان بنا به عدم توجه و دقت والدین تمایل کمتری به کاربرد آن در زندگی روزمره پیدا و در دراز مدت از میان میرود و این نه تنها یک ضایعه فاجعه بار به فرهنگ اهل این زبان بلکه ضایعه جبران ناپذیر برای حوزه تمدن بشری نیز میباشد. چنانچه متأسفانه این گونه ضایعات و بی تفاوتی ها در میان تعدادی از مهاجرین بوضوح دیده میشود. قابل دقت میدانیم که نخست تحمیل یک زبان غیر مادری یا هویت دیگر بر کودکانیکه زبان و هویت اصلی شانرا از اجداد شان بمیراث گرفته اند و این اطفال که هنوز به نیک و بد خود نا آشنا اند و درین تصمیم گیری هیچ نقشی ندارند تصمیم غیر مسئولانه است، انجام این کار در ماهیت خود سلب شخصیت ذاتی و حقوق انسانی کودکان است که مطمئناً بعد ها در سنین پختگی و عاقلانه حتماً به آن توجه نموده و بنا به عدم شرایط فراگیری مجدد زبان مادری که مسلماً آسان نخواهد بود ازین تصمیم والدین شان تنفر مینمایند. علاوه دانستن چندین زبان بر ارتقای شخصیت، تفکر و دانش زبانی اطفال تأثیر پربار گذاشته باعث مؤفقیت های بیشتر طفل در امرتأمین و برقراری ارتباطات اجتماعی و علمی آن میشود. در شرایط موجود دنیا هر طفل ناگذیر است علاوه بر زبان مادری به زبان ملی و زبانهای بین المللی آشنائی داشته باشد و آموزش زبانهای ضروری به هیچوجه باعث پسماندگی استعداد و رشد فکری آن نمیشود. در محیط اطراف خود مان هرگاه بررسی نمائیم اهل زبان های پامیری از اهالی مناطق همجوار شان که دارای زبان برتر، با نفوذ، پراقتدار و قابل احترام (فارسی دری) به همه ماست در ساحه علم و معارف نه تنهائیکه کمبودی ندارند بلکه از بسیاری مناطق همجوار و دیگر سرزمین های افغانستان به شمول اهل زبان پشتو و دیگرزبانها مردم برادر و ساکن کشور ما، برتری های بهتر و افتخار آفرین خود را نیز دارند و این میرساند که این زبانها هیچگونه تأثیر منفی در جریان آموزش و پرورش جوانان این زبانها به جا نیاورده است. امید واریم این روند ادامه یابد و همه مردم افغانستان صرف نظر از زبان و مذهب و ملیت و قوم و گروه، برادرانه در کنار هم زندگی نموده به اوج ترقیات لازم و مناسب، علم و دانش که شائسته آند برسند و از مصیبت هائیکه به آن دچار اند رهائی یابند.

با احساس روز افزون واقعیت ناگوار نابودی و اضمحلال زبان های کم قدرت دنیا؛ جوامع و سازمانهای فرهنگ دوست بشری را تکان داده و ادار نمود تا به خاطر حمایت و احیای زبان مادری گروه های مختلف انسانی در سراسر جهان بهم پیوندند و به پیشنهاد کشور کثیرالمله بنگله دیش سازمان یونسکو به عنوان مهمترین سازمان علمی آموزشی ، فرهنگی سازمان ملل متحد ۲۱ فوریه را به عنوان روز جهانی حمایه از زبان مادری نامگذاری نمود که اهمیت زبان مادری و حمایه و توسعه آنرا بازگو مینماید .

در فرجام باید گفت که موجودیت زبانها و تنوع فرهنگ جامعه نمایانگر غنای فرهنگی آن جامعه میباشد و اهمیت دادن به زبان های مادری در اجتماع انسانی و آموزش اطفال به زبان مادری بدون تعصب و تبعیض ، احترام به آرای مردم ، ایجاد زمینه های مناسب و عادلانه تعلیم و تربیه رایگان برای عموم اطفال و جوانان ، طبابت مجانی مردم ، توأم رعایت متساوی حقوق انسانی زن با مرد و تأمین عدالت اجتماعی در مناسبات تولید ... نمایانگر سطح عالی مدنی و دموکراسی واقعی هر جامعه است .

چون در شرایط موجود عوامل مختلف و غیر پیشبینی شونده ، زبانهای کم اقتدار را مخصوصاً زبانهاییکه از رسم الخط محروم اند بطور جدی تهدید به انقراض مینمایند . اینجانب احترام عمیق و ابدی خود را به همه آن کسانیکه در انجام و رسیدن به این هدف بزرگ در طول تاریخ این زبان علی القدر امکان سهم خود را به جا آورده اند تقدیم و رحمت باد نموده ، سلامتی و پیروزی های مزیدی برای شان آرزو مینمایم .

زهر بادا شیر مادر برکسی کوزبان مادری گم کرده است
(لایق شیرعلی)

نورعلی دوست
مونتریال ایالت کبک کانادا
۲۰۱۲ / ۰۹ / ۱۷